



یادداشت

## از سراب دموکراسی تا واقعیت نژادپرستی

ادامه‌از صفحه اول

در رژیم‌های سرمایه‌داری، وقتی چرخه حرکت سرمایه و گسترش سطحی و عمقی انباشت سرمایه دچار بحران می‌شود، تمایلات راستگرایانه و نژادپرستانه و نیز ناسیونالیستی قدرت می‌گیرد. نمونه‌هایی از این حقیقت را بارها در ایتالیا، طی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ آلمان و اسپانیا یا همین ایالات متحده آمریکاای چند سال اخیر دیده‌ایم. برای فهم و تحلیل اعتراضات اخیر مردمی در برخی شهرها و ایالات آمریکای امروز، باید دو سطح و دو وجه را به صورت توأمان دید؛ این اعتراضات در یک لایه، خشونت نهادینه پلیس آمریکا و تعصبات نژادپرستانه را هدف گرفته است و در سطح دیگر، سر باز کردن خشم و اعتراض لایه‌هایی از طبقه متوسط (لایه‌های میانی و پائینی) و طبقی از کارگران و مزدبگیران به نابرابری و فقدان عدالت توزیعی در مناسبات سرمایه‌داری بحران زده آمریکای کنونی است.

نظام سرمایه‌داری آمریکا پس از بحران کلان اقتصادی ناشی از رکود سال ۲۰۰۸ در روند گسترش عمقی و سطحی بازتولید سرمایه دچار اختلال شد؛ این اختلال از یک سو و تشدید برخی روندهای جهانی‌سازی (که موجب شد برخی حوزه‌های سرمایه و تکنیک به دیگر مناطق تحت سلطه پروژه جهانی‌سازی نولیبرال انتقال یابد) و فشارهایی که بر طبقی از کشاورزان و کارگران کشاورزی و طبقی از خرده‌مالکان و حتی لایه‌هایی از بورژوازی آمریکا وارد آورد، سبب سربلندکردن برخی تمایلات شبه‌ناسیونالیستی شد که آثار آن را در ظهور پدیده ترامپ و به قدرت رسیدن او در انتخابات ۲۰۱۶ شاهد بودیم. در دو سه سال اخیر ترامپ کوشید از طریق تشدید غارتگری‌های امپریالیستی و اعمال مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی و تعرفه‌ای و گلاویز شدن با برخی نهادهای مرتبط با پروژه جهانی‌سازی و انتقال بخشی از مشکلات به دیگر حوزه‌ها و کشورهای خلیل در حرکت جهانی سرمایه (اعم از متروپل یا پیرامونی) و تشدید احساسات مهاجرت‌ستیزانه در داخل، از ضربت فشار بر لایه‌هایی از طبقات و برخی حوزه‌ها در اقتصاد آمریکا تا محدودی بکاهد و شیب سقوط اقتصادی را تا حدودی کند نماید. اتفاقات سه ماهه اخیر و تأثیرات ناشی از کرونا در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و سرمایه‌داری آمریکا موج تازه‌ای از رکود را پدید آورد و موجب تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی ناشی از توزیع ناعادلانه و ظالمانه ثروت در اقتصاد سرمایه‌داری نولیبرال آمریکا شد.

تظاهرات و اعتراضات اخیر مردمی در آمریکا دارای دو وجه است و از منظر نشانه‌شناسی تاریخی-جامعه‌شناسانه به حقیقتی مهم اشاره دارد. دو وجه این تظاهرات؛ یکی ضد تبعیض نژادی و ضدسرکوبگری و خشونت نهادینه پلیس آمریکاست و دیگری وجه ضدسرمایه‌داری و ضدنولیبرالیستی آن است که رسانه‌های وابسته به امپریالیسم جهانی می‌کوشند آن را نادیده بگیرند و کم‌رنگ کنند.

تظاهرات اخیر مردمی در آمریکا دو پیام اعتراضی توأمان دارد: اعتراض به تبعیض نژادی و راسیسم و فقدان برابری حقوقی- حقیقی در عمل و اعتراض به بی‌عدالتی و فقر و فشار معیشتی ناشی از مناسبات ظالمانه سرمایه‌دارانه نولیبرال در آمریکا. توجه به گستردگی نسبی تظاهرات و ترکیب جمعیتی شرکت‌کننده در آنها و شهرها و ایالاتی که صحنه اعتراضات بوده‌اند و نیز کانون‌هایی که هدف حمله معترضان قرار گرفته است (پاسگاه‌های پلیس و فروشگاه‌های بزرگ) به خوبی روشنگر پیام‌های معترضان است؛ پیام‌هایی در زمینه مخالفت با بی‌عدالتی حقوقی و اقتصادی.

در روزهای پیش رو اگر بر دامنه اعتراضات و شهرهای درگیر در اعتراضات افزوده شود (اگر دولت آمریکا و رسانه‌های نظام جهانی سلطه نتوانند از طریق سرکوب و تحمیق اوضاع آرام کنند) آن‌گاه بی‌تردید لایه زیرین ناخشنودی‌های اقتصادی و معیشتی بیشتر آشکار خواهد شد و خود را عیان‌تر نشان می‌دهد.

این اعتراضات علاوه بر دو پیامی که گفتیم یک معنای نشانه‌شناختی مهم نیز دارد؛ این‌که سرمایه‌داری نولیبرال در کانون اصلی و در دل

عنصر هژمونیک خود در روند بازتولید و گسترش سطحی و عمقی سرمایه دچار اختلال جدی است

و این یعنی تضادهای درونی سرمایه‌داری نولیبرال آمریکایی، این سیستم را در پیشبرد سیر حرکت خود دچار اختلال کرده و از نفس انداخته است و

این موضوع بی‌تردید برای کل نظام جهانی سلطه و سرمایه‌داری امپریالیستی نولیبرالی آمریکا و برای

آینده و چشم‌انداز حرکت جهانی‌سازی نولیبرال، نشانه‌ای بس نگران‌کننده است و از تشدید

روندهای انحطاطی خبر می‌دهد.



### ترامپ در جامعه آمریکا ایجاد شکاف کرده است

جیم ماتیس، وزیر دفاع پیشین آمریکا که اواخر سال ۲۰۱۸ از مقام خود استعفاء داد، رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ را به ایجاد شکاف در جامعه آمریکا متهم و نظامی‌گری او را در پاسخ به اعتراض‌های جاری علیه نژادپرستی و خشونت‌های پلیسی محکوم کرد. جیم ماتیس که به دلیل اختلافاتش درباره سوریه و افغانستان از کابینه دونالد ترامپ خارج شد تاکنون از طرح انتقادات علنی علیه وی پرهیز می‌کرد.



علی‌عالمی

بین‌الملل

### واکنش حماس به تجاوز رژیم صهیونیستی به سوریه

جنبش حماس، تجاوز رژیم اشغالگر قدس به سوریه را محکوم کرد. حازم قاسم، سخنگوی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین تجاوز رژیم صهیونیستی به سوریه را نتیجه زورگویی آمریکا و سازش اعراب دانست. وی تأکید کرد که توطئه‌های رژیم صهیونیستی کل ملت‌های مسلمان را نشانه گرفته است. سخنگوی حماس تأکید کرد که رژیم‌های عربی در راستای عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی، از این گونه اقدامات تجاوزکارانه حمایت می‌کنند.

### نوام چامسکی در گفت‌وگوی اختصاصی با جام جم مطرح کرد:

# رمزگشایی از نقشه نژادپرستانه ترامپ

✎ اعتراضات ضد نژادپرستی در آمریکا به شدت گسترش یافته و به صدها شهر تسری پیدا کرده است. هر روز که سپری می‌شود، تعداد بیشتری از تظاهرکنندگان دستگیر و حتی کشته می‌شوند. در عین حال مواجهه نرم ساختار قضایی و امنیتی آمریکا با قاتل جورج فلوید و سایر نژادپرستان نشان می‌دهد که دولتمردان و هیأت حاکمه این کشور، همچنان از ایجاد محدودیت‌های اجتماعی، امنیتی و اقتصادی علیه رنگین‌پوستان حمایت و استقبال می‌کنند. درخصوص آنچه در مینیاپولیس و دیگر شهرهای آمریکا می‌گذرد، گفت‌وگویی با پروفسور نوام چامسکی، نظریه‌پرداز، فیلسوف و زبان‌شناس مشهور آمریکایی انجام داده‌ایم.

## دربین



### چامسکی در یک نگاه

✎ *گسترش دامنه اعتراضات ضد نژادپرستی در آمریکا را طی روزهای اخیر و پس از قتل جورج فلوید چگونه از نیایی می‌کنید؟ آیا مطابق ادعای برخی مقامات آمریکایی، این اعتراضات برگرفته از یک هیجان با خشم زودگذر است؟*

قطعاً این‌گونه نیست. من می‌خواهم برای شما از آمریکا سخن بگویم؛ کشوری که اصول و میانی اولیه اجتماعی و سیاسی آن بر پایه برده‌داری و تبعیض نژادی شکل گرفته است. زمانی که در سال ۲۰۱۴ میلادی، حوادث فرگوسن (در اعتراض به مرگ مایکل براون، جوان سیاهپوست توسط پلیس) رخ داد نیز تأکید کردم که نژادپرستی در جامعه آمریکا نهادینه شده و حتی این موضوع از زمان پایان جنگ داخلی در کشورمان بیشتر ملموس است. شما می‌توانید به خوبی ببینید که طی

بیش از سه دهه اخیر، سیاهپوستان در آمریکا چه وضعیتی داشته و چه تبعیض‌هایی علیه آنها اعمال شده است. اگرچه مطابق اصلاحات قانون اساسی در آمریکا قرار بود برده‌های سیاهپوست آزاد شوند اما این توافق تنها به مدت یک دهه انجام شد. پس از آن شاهد اعمال محدودیت‌های دوباره علیه سیاهپوستان بودیم. بسیاری از سیاهپوستان به

نیروی کار سفیدپوستان تبدیل شدند و برخی از آنها نیز به دلیل استنفکاف از این موضوع، به‌راحتی زندانی می‌شدند.

✎ *ولی سیاهپوستان آمریکا امکان ورود به قدرت را پیدا کرده‌اند.*

ما نمی‌توانیم آنچه در آمریکا علیه سیاهپوستان گذشته و می‌گذرد را فراموش کنیم. آنها ۴۰ سال قبل به جامعه آمریکا (به عنوان برده و نیروی کار) آورده شده‌اند. اما از آن زمان تاکنون، سیاهپوستان تنها چند دهه آن هم به صورت محدود قدرت ورود به مناسبات اجتماعی و طبیعی در ایالات متحده را داشته‌اند. در طول این سده‌ها، برخی برده‌داران مانند توماس جفرسون (رئیس جمهور آمریکای بین سال‌های ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹ میلادی) از آزادسازی هزاران برده واهمه داشتند. آنها از این‌که قربانیان برده‌داری نژادپرستی در آمریکا قیام کنند و حقوق اولیه خود

در مطالبه نمایند، وحشت داشتند. تاریخ آمریکا به یاد دارد که در قرن نوزدهم، برده‌داری شکل جدیدی به خود گرفت. سیاهپوستان به بهانه‌های واهی دستگیر می‌شدند و به عنوان زندانی از آنها بهره‌کشی می‌شد. به عبارت بهتر، برده‌داری از شکل مستقیم و قبلی خود (که در آن سرمایه‌داران صاحب برده‌ها بودند) خارج و دولت خود عهده‌دار بهره‌کشی از سیاهپوستان شد. در طول سال‌ها و دهه‌های بعد نیز این نژادپرستی در جامعه آمریکا نمودی کامل داشت. پس آنچه امروز در آمریکای‌گذرد، پشتوانه و ریشه‌ای تاریخی دارد.

✎ *از تفاوت «برده‌داری توسط سرمایه‌داران» و «برده‌داری توسط دولت آمریکا» سخن گفتید. این موضوع چه مزیت‌هایی برای روسای جمهوری آمریکا و صاحبان قدرت سیاسی در این کشور داشت؟*

دولت زمانی که سیاهپوستان را به بهانه‌های غیرواقعی و واهی به زندان می‌اندازد، آنها تنها به نیروی کار تبدیل می‌شوند (به عنوان زندانیانی که اجبار یا باید کار کنند)، بلکه دیگر کارفرمایان ترسی از قیام و اعتراض آنها ندارند. به عبارت بهتر، زندانیان سیاهپوست که تحت تملک دولت آمریکا هستند، بسیار کارایی بیشتری برای نژادپرستان و صاحبان قدرت نسبت به دوران برده‌داری دارند. صاحبان سرمایه اگر خود مستقیماً به برده‌داری روی بیاورند، باید هزینه آن را بپردازند و حتی بخشی از سرمایه خود را صرف نگهداری بردگان کنند اما برای آنها بسیار فوق العاده خواهد بود که دولت این هزینه‌ها را بپردازد. این نوع برده‌داری غیرمستقیم، تا دوران جنگ جهانی دوم ادامه داشت. پس از آن، به مدت کمتر از دو دهه، سیاهپوستان آزادی‌های محدودی به دست آوردند، به گونه‌ای که یک سیاهپوست می‌توانست از بخشی از مزایای اجتماعی بهره‌مند شود. اما پس از دهه ۱۹۸۰ میلادی، معادله دوباره تغییر کرد. دولت‌های آمریکایی، زندگی سیاهپوستان را به یک زندگی مجرمانه و پرهزینه تبدیل کرده‌اند. به عنوان مثال، رونالد ریگان یک نژادپرست بود. او در جریان مبارزه با حمل و نقل مواد مخدر، عملاً کاری کرد که سیاهپوستان

✎ *باتوجه به آنچه بیان کردید، آینده آمریکا را به لحاظ وجود یا عدم وجود تبعیض نژادی چگونه پیش بینی می‌کنید؟*

من معتقدم که ریشه‌کن کردن نژادپرستی در آمریکا دور از دسترس نیست، اما این مسیر طولانی و سخت خواهد بود. راه‌حلی جادویی و فوری برای حل این معضل نهادینه‌شده در حکومت و جامعه آمریکا وجود ندارد. آموزش‌های اجتماعی صحیح، بهادادن به رنگین‌پوستان، بررسی ریشه‌ای بحران نژادپرستی در آمریکا و ... ازجمله راهکارهایی است که مخالفان نژادپرستی باید نسبت به آنها توجه کنند.

#### روایت فرید زکریا از قتل جورج فلوید

## ۴ نقطه آسیب آمریکا در اعتراضات اخیر

سیاهپوست است.

#### اختیارات گسترده پلیس

نکته دوم، به اختیارات گسترده پلیس آمریکا باز می‌گردد. من در کشورهای مختلفی رفت و آمد داشته‌ام. نکته ای که در قبال پلیس آمریکا توجه مرا جلب می‌کند این است که مانند یک فرد اشغالگر با حداکثر تسلیحات ممکن در خیابان‌ها حضور دارند. پلیس آمریکا مجهز به سلاح‌هایی است که در اختیار ارتش قرار دارد. فراتر از آن، اتحادیه‌ها و هیأت‌های منصفه و سایر نهادهای تشکیلاتی و تأثیرگذار از افسران خاطی پلیس (که به سیاهپوستان شلیک می‌کنند و رفتارهای نژادپرستانه دارند) حمایت می‌کنند، حتی اگر واقعا آنها مجرم بوده و اقدامی غیر قانونی انجام داده باشند.

#### جامعه آمریکا، عصبانی است

نکته سوم به شرایط خاص و ویژه‌ای مربوط است که هم

مردم نیاز دارند هر چه سریع‌تر به شرایط عادی زندگی خود برگردند، حتی به قیمت به کارگیری مراقبت‌ها و احتیاط‌های بیشتر.

#### بروز تفرقه در آمریکا

در نهایت لازم است به سطح رهبری آمریکا (در قبال اعتراضات) اشاره کنیم. اگر مردم احساس کنند رهبران‌شان شجاعت داشته و با آنها همدل هستند، به توصیه‌هایشان گوش داده و با رهبران‌شان همراهی می‌کنند. سال ۱۹۶۸ و پس از قتل مارتین لوتر کینگ، رابرت کندی از مردم ایندیاناپولیس خواست از خشونت و اتخاذ رفتارهای تند و اعتراضات مخرب بپرهیزند. با این حال (اکنون) در سطح محلی و ایالتی شاهد وجود تفرقه و عدم اتحاد در کشور هستیم. این تفرقه و عدم اتحاد، بازتابی از وجود مشکلات واقعی در آمریکاست.

منبع:سی‌ان‌ان

